

ایرج افشار

دهخدا در راهسازی خراسان

از آن
برپا گشتی دست حضرت سبط در آن کرم
صاح این تضرع رخصه لذت برر کیم
ع کبر مستخدم کرت ره واران در دلدوم
در دلدوم ۱۳۲۵

ایران
کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ناهم مانند مقاله شماره گذشته که در باره خیال نفیر
تابعیت دهخدا بود ازین باب بود که اسناد دیگری مربوط به دوران
زندگانی دهخدا (پیش از سردبیری او در روزنامه صور اسرافیل)
به دستم افتاد و میل داشتم که خوانندگان مجله را با گوشه‌ای دیگر از
زندگانی آن مرحوم که مکتوم مانده است آشنا کنم. این نکته را هم
بر آن مقاله بیفزایم که اطلاع ما از خیالی که علی‌اکبر دهخدا در ایام
تبعید خود به اروپا و دوران دوری از ایران در سر پرورانیده بود
منحصراست به همان نامه مفصل تاریخی که در شماره گذشته به ملاحظه
خوانندگان رسانیده شد و متاسفانه اطلاعی نداریم که معاضد السلطنه
در قبال تقاضای دهخدا چه کرده است و تعابیل دهخدا را چگونه جواب
گفته بوده است.

تقی زاده در سرگذشتی که از دهخدا در مقدمه لفتنامه دهخدا
نوشته است، گفته است که «وقتی من او را برای مرتبه اول ملاقات
کردم در خدمت مرحوم حاج حسین آقا امین‌الضرب مامور راه شوسه
سمنان بود با سی‌تومان حقوق در ماه» (مقدمه لفتنامه، ص ۲۹۵).
از این اشاره منتقل بدان شدم که ممکن است در میان اسناد
خاندان امین‌الضرب مدارکی باشد که ما را بیشتر بازندگی دوران
جوانی دهخدا آشنا کند و معلوم شد حدسم صحیح است. پس بلفظ
دکتر اصغر مهدوی بیک ورقه تعهد خدمت، سه ورقه قبضه رسیدحقوق
و چند نامه مفصل در گزارش وضع راه سازی خراسان و نامه‌ای در
موضوع خرید غله ازورامین که همه بخط شخص دهخداست دست
یافتیم و اینک درین گفتار بمعرفی آنها می‌پردازم و اگرچه ممکن است
مطالبی عادی جلوه گر آید ولی در زندگی رجال بزرگت بهمه جوانب

۱۳۲۵
در اسفند ماه ۱۳۲۵



مادی و معنوی حیانشان باید نگریست.
برای راه سازی خراسان «کمپانی» درست کرده بودند که در
مقاطعه امین‌الضرب بود و از طرف دولت مهندسی بلژیکی نظارت بر کار
را برعهده داشت.
طبق سند مورخ ۱۲ رمضان ۱۳۲۴، درین تاریخ دهخدا بعنوان
معاونت و مترجمی مسیو نوبورک بلژیکی (که درنامه‌ها مکررا دوبروک
ذکر شده و ظاهرا این صورت دوم درست است) با ماهی سی‌تومان

مقرری موظف بخدمت شده است و ضمنا در همین سند متعهد شده است که عموم خدماتی را که امین الضرب به او ارجاع می‌کند انجام دهد و بهمین ملاحظه بوده است که به خرید غله از ورامین برای دستگاه امین الضرب نیز اقدام کرده بوده است. مبلغ مقرری ماهانه که درین سند و قبضها آمده سی تومان است و کاملا مطابق است با آنچه تقی‌زاده در شرح زندگی او نوشته است.

راه خراسان به وسیله دو مهندس روسی به نام های ساکالوسکی و پلاتانف ساخته می‌شده و دوبروک بلژیکی سمت نظارت را داشته است و چند نفر یونانی هم در خدمات جزئی تر آن جا کار می‌کرده‌اند. این اسامی در گزارشهای دهخدا که منظرها برای امین الضرب ارسال می‌شده است آمده:

نامه‌های گزارشی دهخدا همه از خوار به بست داده می‌شده و امضای روی پاکت «چاکر علی‌اکبر» است.

نکته‌ای که از لحاظ شناخت پیش و معرفت دهخدا و تسلط او بر دقائق استعمال تعابیر و مصطلحات قابل توجه است بروز ذوق و سلیقه ادبی و طنزگونه او در جای جای از این نامه‌هاست و باید گفت که اصولا تمام نامه‌ها به انشایی استوار و کاملا منشیانه تحریر شده است. از نوع عباراتی که نشان دهنده روح لطیف و بیان ظریف دهخداست و در گزارشهای معمولی و رسمی هم جلوه خود را نموده چند عبارت نقل می‌شود:

« شیطان هم گاهی با همه زرتکی ازین جنس دوبا گول می‌خورد و صرفه درستی نمی‌برد، از قرار معلومات بعد این فرار دادی را که ماهها به التماس با ایشان بستیم و نوشته گرفتیم همین مقصود اصلی و کمال آزادی او بوده ولی از غایت شیطنت ما را خواب خرگوشی داده و از راه پرت نموده است.»

« رعایای بیچاره با آه و فغان جلومارا بریده‌اند که این ظلم کجا رواست که اراضی ما را از دست ما بگیرند و حاصل ما را پامال کنند... معلوم شد مقاطعه‌گر مزبور با قدفن اکید مسیو دوبروک از کار در آن قطعه به اسم اینکه حکم از شاه دارد تقریبا در ده هزار ذرع مربع زمین بیچاره رعیت در صورتی که تازه زراعتشان سبز شده کار کرده است و این بدبختیها را که مورد همه‌طور جور و تعدی هستند به بدبختی تازه‌تری دوچار نموده.»

« درینجا هم به این شلیها نیاخته‌اند و تا آن زننده هستیم و مطالبات و مطالبات از نامها، اشاره‌ای به رفتار خشن سیاسی روسها در ایران شده است یکی در نامه نمره ۲ مورخ غره شوال ۱۳۲۴ در مورد معارضه میان دوبروک و ساکالوسکی در خصوص نحوه مساحی و از قول دوبروک نقل می‌کند: « این حرف شما نیست مگر از روی اینکه شما دوسهامحضی اینک زوردارید هر نوع بی‌اعتدالی را در ایران می‌کنید و از پیش می‌برید و گونه این حرف را در هیچ جای دنیا نمی‌توان گفت.»

در نامه ۱۷ شوال از قول مسیو دوبروک نوشته است: « مسیو دوبروک گفت ابدا شما این کارها را در روسیه نمی‌توانید بکنید.» دهخدا از ۱۳ رمضان ۱۳۲۴ به کار مترجمی و معاونت کمیانی راه سازی خراسان مامور شده بود. آخرین مکتوب او به امین الضرب مورخ ده صفر [۱۳۲۵] است که از ورامین در خصوص خرید غله نوشته است. ضمنا چون اولین شماره صور اسرافیل در تاریخ ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ انتشار یافت و تقی‌زاده نوشته است که میرزا قاسم خان صور در اوایل سال مذکور به تهیه مقدمات نشر صور اسرافیل پرداخت و میرزا علی‌اکبرخان با آنها آشنا شد پس دوران خدمتش در کمیانی مذکور بیش از پنج شش ماه نبوده است.

« معامله با دهاتی و روستائی غیر از دادوستدهای شهری است. آنچه چاکر درین مدت قلیل توقف این صفحات به تجربه فهمیده است این است که... در صورتیکه تنخواه موجود باشد و به ملاک ارائه شود در صورتیکه قصد فروش هم نداشته باشد به همان جاذبه پول فوراً رام می‌شود و برای معامله حاضر می‌شود. اما در حالتی که وجه حاضر نباشد خدای واحد شاهد است که از دادوستد برادر و پسر هم آباء و امتناع دارند.»

این سنده در گاهنگ علی‌اکبر در سادات در تهران در تاریخ ۱۳۲۴

در تاریخ مذکور در تهران حضرت سید مرتضی میرزا علی‌اکبر

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

بضمایر خارج راه همیانی در تهران در تاریخ ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴

در تهران در خرداد ماه ۱۳۲۴